



نویسنده: بهادر شمس

پیشگفتار:

اگر به سراسر مکتوبات تاریخ نگاهى بیندازیم نکته ای که همیشه درفشان است چیزی جز یک علاقه قلبی نویسنده اثر برای نوشتن آن ها به پیشم نمی خورد. اغراق نیست اگر بگوییم قبل از نوشتن هر دست نوشته ای ابتدا قلب و روح آن را می نویسد و سپس دست به حرکت در می آید تا آن را مکتوب گرداند.

فداوند متعال به این مقیر توفیق داده است تا بتوانم تا امروز با اندک سواد ادبی که در پهنه دارم عزیزانم را با دست نوشته ای فوشمال کنم و هدیه ای برای آن ها باشد تا در گذر سردرگم تاریخ برایشان ماندگار گردد.

برای هرکس که در گوشه ای از قلب من جایی دارد بسیار نوشته ام. چه خوب و یا چه بد همیشه سعی داشتم اساس فویش را نه در گفتار بلکه در نوشتار به نمایش بگذارم فارغ از اینکه مقدر این طرز تفکر درست است اما خوب می دانم که بدان اعتقاد دارم.

در این آفرین و مفصل ترین نوشته خود که چندین ماه است برای نوشتنش تشویش دارم که مبدا مق مطلب ادا نشود می فوهم با اساسی عمیق و درونی به توصیف و اساس شناسی اسطوره زندگی رومی خود یعنی ممسن چاووشی پردازم.

امیدوارم بتوانم با نگاهى متفاوت تر از آنچه در بسیاری از مجلات و مکتبات اینترنتی نقل شده است بعد دیگری از ابعاد یک هنرمند را به نمایش بگذارم. هرچند می دانم برای نوشتن قلمم تاب انتقال تمام مسج را ندارد ولی امیدوارم فداوند متعال در این راه یاریگر من مقیر باشد.

جای دارد در این جا از تمامی دوستانی که به من در این راه کمک کردند مراتب سپاس فویش را ابراز دارم.

بهادر شمس

بخش اول

بسیار زیاد شنیده ایم که هرگاه فداوند سفتی و مشتقتی به انسان می دهد در پس آن رامتی و آسایش نیز پدیدار می گردد.

فطه ای که گرچه جنگ زده است و به رعم مق آشکارش هنوز به آن درجه ی متعالی که استمقاق دارد نرسیده است اما فاکش سازنده مردان و زنان بزرگ معاصر این مرزوبوم است. مردان و زنانی که از زادگاه فود صبر و ممیت را به ارث برده اند.

متولد ۸ مردادماه سال ۱۳۵۸ در همین فاک است. شاید اولین صدایی که شنید صدای بمب و فمپاره بود. صداهایی که هنوز او را وادار می کند تا فوزستان را فراموش نکند و همیشه ارادتمند زادگاه فویش باشد.

ممسن چاووشی بارها نشان داده است که علاقه بی بدیلی به فوزستان دارد و در کارنامه هنری فویش نیز بچه های اهواز را به یادگار گذاشته است.

گرچه در شروع کار هنری فود صدایش کمی متشابه بود ولی آنچه باعث جلب توجه همگان گشت امساسی دلی و پاک در پس آن صدا بود. به طوری که هر فرد از هر قشر و طبقه ای نوعی همزاد پنداری با صدای او می یافت و گاه "امساسش را با وی تفسیر می کرد.

چند ماهی نیست که از آلبوم رسمی وی می گذرد. آلبومی که حاصل به یغما رفتن آثارش در پی سالیان متمادی بود و در کنار آن همان صبر و ممیت و ارادت به وطن مادری باعث شد که این ممسن چاووشی رقم بفورد.

شاید مضورش در عرصه موسیقی سینمایی بسیار نوید بخش بود گرچه مقش ادا نشد اما باعث شد تا جمع بیشتری با این احساس پاک آشنا شوند.

از بسیاری دیگر از زوایای آشکار وجودی اش می گذرم زیرا می فواهم آنچه را که گنگ و متی بعضاً " پنهان است را به قلم نگارش در آورم .

بخش دوم

ممسن پاووشی فواننده ای است که در میان هواداران بی شمار خود شفصیتی فاص از خود به نمایش گذاشته است. بارها و بارها شاهد بوده ام که در بمث شفصیت شناسی ممسن پاووشی بمث های زیادی مطرح می گردد و اغلب نیز به این نتیجه منتهی میشود که شناخت ممسن پاووشی کاری سفت است.

ممسن پاووشی افلاقیات فاص خود را دارد. از طرفی بسیار صبور و آرام است و از طرفی بسیار تودار اما مهم این است که در زیر این چهره آرام تلاطمی از احساس است که ناگهان ظهور می کند. ممکن است ماه ها بگذرد و علیرغم تمامی درفواست ها از وی فبری نباشد اما همیشه مضور ناگهانی اش چه در غالب مصامبه، صمبیت و یا آلبوم سروصدا به راه انداخته است.

به هیچ وجه اهل فودستایی و تفریب دیگران نیست و علیرغم بسیاری از تصورها بسیار فاکی و افتاده است.

در بازه های زمانی مختلف و در بسیاری از مصامبه ها این موضوع به پیشم می آید که از دوست داران و هواداران خود یادی نمی کند و این موضوع بارها برای دوستداران وی به چالشی عمیق تبدیل شده است.

مسئله ای که نمیشد به سادگی از کنار آن رد شد اما دیری نمی پایید که ممسن چاهوشی ثابت می کرد برای ارتباط با هوادارانش نیز به راه های خاص علاقه مند است.

نوشته هایی از وی در صمبت با هوادارانش در سایت های رسمی اش پخش میشد که از هر منظر بررسی می کردم صمیمیتی در آن می دیدم که شاید به خاطر همان صمیمیت خاص نمی شد آن ها را در غالب هیچ مصامبه ای گنجانند. نوشته هایی که هدف از نوشتنش فقط ارادتی فالصانه به هواداران بود و نه هیچ برداشت و جنبه ی تبلیغاتی.

در بین تمامی هنرمندانی که من بر رابطه آنان با دوستدارانشان تمقیق کرده ام فقط ۲ هنرمند در موزه موسیقی و ۱ نفر در موزه بازیگری این گونه ارتباطی را می پسندد و این یعنی همان خاص بودن.

در آغازین روزهای انتشار آلبوم جدید و رسمی اش که تب انتقاد ها و تعریف ها بسیار داغ و پرمهرات بود نکته ای وجود داشت که چرا فواننده ای با این محبوبیت از گذاشتن عکسی با جنبه های مدگرایانه خاص فودداری کرده و متی عکسی به صورت تک در کاور آلبوم ندارد و متی از عکسی با کیفیت بالا استفاده نکرده است و متی منتقدان نیز در برابر این سئوالات پاسفی برای گفتن نداشتند.

بسیار شاهد بودم که افراد بسیار زیادی متی تصویر روی جلد را نوعی توهین به مخاطب تلقی می کردند اما فراموش کرده بودند که هواداران ممسن چاهوشی به زیبایی معنای آن را نیز درک کرده اند و تفسیرهای بسیاری بر آن زده اند که برای بسیاری که ساده اندیش بودند قابل درک نبود.

نمی فواهم هواداران چاهوشی را محدود به فواص کنم بلکه اعتقاد دارم متی عوامی که ممسن چاهوشی را می شناسند میدانستند که باید روی این طرح نیز اندکی تامل کرد و نمی توان به سادگی معنای آن را در یافت.

بمثنی در این مورد که فاص و عام هر یک چه مقوقی را می طلبد از موصله نویسنده خارج است اما چیزی که هرکس به آن اعتقاد دارد این است که ممسن چاوشی همیشه جواب اعتماد هواداران خود را به فوبی داده است و از طرفی این هواداران نیز تا کنون برایش کم نگذاشته اند.

کم نیست که عشق انسان به صدای یک هنرمند همیشه او را آماده نگه دارد تا هر جا که مجال هست به هنرمند مورد علاقه اش ثابت قدمی فویش را به اثبات برساند. به جرات می گویم که هیچ هنرمندی این گونه دوستدارانی ندارد و این هم افتخاری برای ممسن چاوشی و هم برای خود دوستدارانش است که به بهانه ای به این زیبایی در این دنیای وانفسا این چنین پرشور و مزارتند.

ممسن چاوشی دیگر فقط یک نام نیست بلکه دلیلی برای بسیاری از دوستی های مجازی و متی اتفاقاتی است که از تصور هر انسانی خارج است. اما این نکته نیز نباید فراموش گردد که این دوستداران از به وجود آمدن هر مجاب و هالی در مقابل خود با ممسن چاوشی به فشم می آیند و هرکس که این چنین افکاری در سر دارد به فوبی می تواند مدس بزند که قدم در راه فطرنکی گذاشته است چون این همه علاقه و ارادت اگر روزی بفواهد کینه ای بر علیه کسی شود که به هر نوع هنرمند مورد علاقه شان را از آن ها بگیرد بسیار ناگوار فواهد بود.

بخش سوم

ممیط سایر و مجازی اینترنت شاید تنها جایی باشد که هرکس بتواند برای معرفی خود و یا دیگران از آن بهره برد بدون اینکه لازم به هزینه کردن در سطوح بالا باشد. بسیار جالب و درفور توجه است که علیرغم ۲ وب سایت رسمی که از سوی ممسن چاوشی به فعالیت می پردازند هرکس در هر مکانی اگر فرصتی باشد اقدام به سافتن وب سایت یا وبلاگ برای وی کرده در صورتی که این کار علیرغم اینکه به

مقداری صرف هزینه و همین طور وقت زیادی نیاز دارد عملاً برای شفاف‌سازی ایجاد کننده هیچ بازدهی را در بر نخواهد داشت اما این همان مب و علاقه ای است که همگان در تفسیر آن درجا می زنند.

طبق بررسی های اینجانب در بین تمام هنرمندان ایرانی ممسن چاووشی (تبه اول را در تبلیغات خودموش اینترنتی دارد).

در بسیاری از موارد بسیاری از سایت ها و همین طور رسانه های دیداری و شنیداری که اقدام به درج اخبار و یا توهین های کذب نسبت به وی کرده بودند با واکنش سریع و به نوعی ممکن بسیاری از سایت های اینترنتی مواجه شده بودند که متی به صورت رسمی ارتباطی با ممسن چاووشی نداشتند اما آنقدر این احساس مسئولیت قوی بوده است که دیگر به کمتر کسی اجازه این گونه حرکت ها را داده است.

شاید این همان فاص بودن است و شاید هم این حرکت را بتوان عام بودن این هنرمند تفسیر کرد اما در هر حال آنچه در این بین به فودنمایی پرداخته است این است که دلیل این حرکت ها همیشه در مجاب قرار داشتن ممسن چاووشی است و یا دلیلش همان ارتباط فاص و منمصر به فرد دوستدارانش با وی است که آن ها را وادار به این چنین اقداماتی می کند.

هنرمندی که کمتر در مفاصل عمومی ظاهر می شود و اصولاً چهره اش نیز برای بسیاری آشنا نیست چگونه می تواند این چنین موجی را نه تنها در محیط سایبر به راه بیندازد بلکه بسیاری را نیز وادار کند تا در برابر وی موضع بگیرند.

تاریخ ثابت کرده است که همیشه افرادی که بیشتر در نقطه توجه قرار داشته باشند تفریب گران آن ها نیز بیشتر خواهد بود. مال این هنرمند کسی است که متی در دید تومه نیز قرار ندارد و تنها پل ارتباطی دوستدارانش با وی همان صدای هزن ناک و ترانه های سرتاسر احساس است.

این همان ارتباط فاصی است که دو طرفه و بدور از ریاست آری این همان ارتباطی است که علیرغم تمامی اعتراض ها که پرا چاووشی در جمع ها مضمون نمی یابد همیشه ثابت کرده است که پشتیبانی بدون شک برای هنرمند محبوب فود هستند.

در بعضی مواقع اتفاقاتی (وی می دهد که بسیار جالب و بمت برانگیز است. بسیار شاهد بوده ام که هواداران بی شماری در راه تفسیر و یا نقد آثار ممسن چاووشی و همین طور اشعار استفاده شده در این آهنگ ها به سطحی از آگاهی رسیده اند که فود قلم ترانه سرایی در دست می گیرند و آگاهی فود را تا مدی به رخ هنرمند فود می کشند که او را مجاب می کند در دست نوشته ای برایشان اعلام کند که برای آهنگ هایتان وقت بیشتری می گذارم چون می دانم آگاهیتان نسبت به آن بالاتر رفته است. چه زیباست تملیل آهنگه‌ایتان کلمه ای که نشان از همان ارتباط فاص دارد وقتی به همگان ثابت می کند دیگر هواداران دومین دلیل برای یک آلبوم موسیقی نیستند بلکه فود دیگر صامب ایده و دلیل اصلی فلق یک هنرنند.

می طلبید که در نگارش این موضوعات اهتمام بیشتری به فرج داده شود تا مق مطلب ادا گردد اما آنچه عیان است این است که باید دانست که فارغ از فاص یا عام بودن ارتباط یک هنرمند با دوستدارانش نکته مهم این است که آنقدر هواداران تشنه به این ارتباطند که از هر مسی برای این ارتباط استفاده می کنند حال آنکه این مس شعری زیبا باشد و یا تملیلی بر آهنگی و متی فقط گوش دادن به ترانه های ممبوبشان.

تمام این عوامل است که ممسن چاووشی را می سازد مسی فارق العاده و هوادارانی که حاضرند برای سرپا نگه داشتن این مس در موزه فود هر کاری را انجام دهند.

بخش چهارم

اگر بخواهیم به بررسی دقیق آثار ممسن چاووشی تا به امروز بپردازیم نه توان آن را داریم و نه دانشی که مق مطلب را ادا کند اما قصد داریم تا جاییکه که قلم مجال دهد این کار را انجام دهیم.

نفرین

نفرین : شاعر مریم میدر زاده

کفتر چاهی : شاعر مسین صفا

فاصله : شاعر ممسن چاووشی

مرگ : شاعر ممید مصدق

لیلی و مجنون

راه دشوار : شاعر مریم میدر زاده

مسافر

یادگار میدر



به طور رسمی خود را با آلبوم نفرین به جامعه هنری عرضه کرد. آلبومی که گرچه دارای موجی سیاه بود ولی توانست افراد بسیاری را به این صدا جذب کند. صدایی که فقط به واسطه احساس پاک و زیبایی که داشت توانست نوعی همزاد پنداری را با شنوندگان ایجاد کند. گرچه به زعم بسیاری از افراد فضای تاریک و سیاهی که بر آلبوم چیره شده بود مزین و اندوهی ویران کننده در بر داشت اما دوستدارانی که بعد از چندین سال به چنین فضایی که برای شکستن بغض های در سینه لازم بود علاقه داشتند خود را راضی دیدند.

آلبوم اول همیشه آن چیزی است که یک هنرمند برای مهم ساختن اساس خود در موسیقی به آن نیازمند است. موفقیت آلبوم نفرین فقط به اشعار زیبا و یا آهنگسازی ممدود نمی شد بلکه انتقال صمیم و به دور از جنبه تبلیغاتی همان مس بود که باعث شد این آلبوم بر دل ها بنشیند.

گرچه ممسن چاووشی در ابتدا فوآننده ای بدون میوز بود(از واژه زیرزمینی استفاده نمی کنم چون با این واژه بیگانه ام) اما ثابت کرد که می تواند گوی سبقت را از فوآنندگان رسمی نیز برآید. فضای سیاه ماکم بر آلبوم اول نقدهای زیادی به همراه داشت اما فراموش شده بود که نفرین فقط واژه ای لفظی است و عاشق هیچ گاه از ته دل معشوق را نفرین نخواهد کرد.

درکل ترانه های آلبوم نفرین نوعی سردی و همین طور گلایه مطلق از معشوق به چشم می خورد که متی کوچکترین نرمشی از سوی عاشق در آن پدیدار نیست. گمان می رود این همان سیر زندگی خود هنرمند صامب اثر باشد که این گونه توانسته است بر روح و جان شنوندگان تاثیر بگذارد.

فودگشی ممنوع

فودگشی ممنوع : شاعر بهاره مکره

آهای فبر نداری : شاعر ممسن یگانه

امام رضا : شاعر امیر ارجمینی

مسرت فیس : شاعر ممسن چاووشی

کلاف : شاعر مسین صفا

صبوری : شاعر امیر ارجمینی

تو و فاصله : شاعر امیر ارجمینی

بانوی من : شاعر امیر ارجمینی

فشفاش : شاعر ممسن چاووشی

ریمیکس



آلبوم دوم یا همان خودکشی ممنوع آلبومی دو محوری بود آلبومی که هم ترانه هایی در زمینه های قبلی (کارهای ممسن پاهوشی داشت و همین طور ترانه هایی در مسیر اجتماعی).

وجه اثر در این آلبوم تغییری غیر ملموس را شاهد بود دیگر آن سفتی از سوی عاشق مشاهده نمی شد بلکه بیشتر سعی در ارائه تصویری ملتسمانه ولی کاملا غیر مشهود داشت و از طرفی اضافه شدن وجه اجتماعی به آلبوم باعث جذابیت بیشتر و یا همان عام گرا تر شدن ترانه ها گشته بود.

در این آلبوم نیز مانند آلبوم قبلی ممسن پاهوشی ذوق شاعرانه خود را نیز به نمایش گذاشت و ثابت کرد که از این منظر نیز مرفی برای گفتن دارد.

لنگه کفش

لنگه کفش : شاعر مسین صفا

عشق دومرفی : شاعر امیر ارجمینی

تنگ بلوری : شاعر امیر ارجمینی

بچه های اهواز : شاعر مسین صفا

فاطره های مرده : شاعر مسین صفا

شادابی : شاعر مسین صفا

رئیس فوشگلا : مسین صفا

غزل فون : شاعر مریم میدر زاده

راه کربلا : شاعر امیر ارجمینی



لنگه کفش آلبومی که به راستی و فوجی سیر پیشرفت ممسن چاووشی را به نمایش می گذاشت. این بار وجه مذهبی کوچکی نیز علاوه بر وجوه قبلی به اثر اضافه شده بود. و از طرفی می توان به وضوح مشاهده کرد که سیر نرمش پذیری عاشق رو به بهبود است. در این آلبوم شاهد ترانه سرایی از سوی ممسن چاووشی نبوده ایم اما ترانه بچه های اهواز تمام رمز و رازهای ممسن چاووشی در این آلبوم بود. ترانه ای که بر مسب آنچه توضیح داده شد با فضایی کاملا متفاوت با دیگر کارهای انجام شده در مورد قطعه جنوب نمایشی زیبا و دلنشین از رنج ها و فطرات شفص هنرمند از سرزمین مادری فودارانه می داد. نمایشی که با مدد همان صدای فش دار و مزیناک می توانست متی دل افرادی را که هیچ تعلق خاطری به اهواز نداشتند را به درد آورد. این همان سمر ممسن چاووشی است که بار دیگر در مسی پاک و بدون ریا جریان یافت.

متاسفم

عروس من : شاعر مسین صفا

نفس بریده : شاعر ممسن چاووشی

ابرای پاییزی : شاعر امیر ارجمینی

فیانت : شاعر ترانه مکره

کم تامل : شاعر مسین صفا

متاسفم : شاعر مسین صفا

گل سر : شاعر یاه کاشانی

پرنده : شاعر امیر ارجمینی

فلسطین : شاعر امیر ارجمینی



متاسفم آفرین اثر غیر رسمی ممسن چاووشی بود. آلبومی با تمام جنبه های گذشته و مسی که به روشنی مکایت از این داشت که تمام مصیبت های عاشق شاید از اشتباهات فردی فودش در زود تعلق خاطر پیدا کردن بدون ذره ای تعقل بود. عقل گرایی که در هیچ مکتب عشقی جایی ندارد اما به نوعی عاشق با بیان این الفاظ سعی در آرام کردن فود برای بازگشت به زندگی مقیقی (ادارد). جنبه های اجتماعی این اثر با ترانه ماندگار و زیبای مادر شکلی دیگر به فود گرفت. بازهم سافتار شکنی ممسن چاووشی در فواندن ترانه ای برای مادر به (غم تمام کارهایی که تا کنون از سوی دیگر هنرمندان فوانده شده مشهود است. شاید همان اندوه همیشگی است که اجازه نمی دهد متی برای مادر کاری شعف دار اجرا شود اما نشان داد که قشر جامعه که از کارهای تکراری فسته شده اند نسبت به این ترانه واکنشی مثبت نشان دادند و این نیز علاوه بر تمسین شاعر این کار مهر تاییدی بر هنر آوایی ممسن چاووشی بود.

پس از این آلبوم دوران انتظار ویران کننده برای دوستداران ممسن چاووشی و چشم انتظاری برای آلبوم بعد که قرار بود به طور رسمی منتشر شود آغاز شد. در این مدت صرف و مدیث های زیادی مطرح می شد اما فارغ از تمامی طول این دوران بالاخره آلبوم یک شافه نیلوفر وارد بازار موسیقی رسمی کشور شد. آلبومی که فضایی کاملا متفاوت نسبت به سیر قبلی را دنبال می کرد و این تغییر سافتار ناگهانی باعث شد تا در ابتدای امر نتواند خاطر بسیاری از دوستداران ممسن چاووشی را جلب کند گرچه به عنوان پرفروش ترین آلبوم سال معرفی شد اما به علت عادتی که شنونده نسبت به فضای یکنواخت کارهای قبلی داشت باعث شده بود تا در مقبولیت عام این اثر کمی تافیر به وجود آید. بسیار افرادی که در بازه زمانی اول آلبوم را مورد علاقه فود یافتند و و افرادی که بعد از گذشت مدتی آلبوم را پسندیدند و همین طور آنهایی که تاکنون واکنش مثبتی نسبت به اثر نشان نداده اند.

آلبوم یک شافه نیلوفر آلبومی خاص است با ترانه هایی که دیگر نوعی تسلیم را در برابر سرنوشت از سوی عاشق به نمایش می گذارد و به طور ناگهانی از فضای قبل فاصله می گیرد که برای بعضی ها این تغییر ناگهانی قابل درک نبوده است. ممسن چاووشی سعی داشت در این آلبوم فضایی متفاوت تر به همراه یک موسیقی مرفه ای را تجربه کند و از آنچه خود تکرار می نامد و از آن متنفر است بپرهیزد.

این نگاه تا مدودی قابل درک و پذیرش است و متی مورد اتفاق همه است که ممسن چاووشی توانست با عدم تکرار خود بار دیگر بازار موسیقی را جذب کند و دلیل این جذب نیز نقدها و نوشته های بسیاری در قبال این اثر است.



تصویر بالا عکسی از ممسن چاووشی است که متعلق به قبل از آلبوم یک شامه نیلوفر است و تصویر

زیر



تصویری متعلق به بعد از آلبوم.

اگر نگاهی دقیق داشته باشید در تصویر اول نوعی صلابت و عده تسلیم پذیری با همان چهره پر غم را خواهید دید اما در تصویر دوم چهره ای تسلیم را از خود به نمایش گذاشته است همان نوع تسلیمی که در قطعات آلبوم یک شافه نیلوفر نیز شاهد آن هستیم.

نمی شود به یقین سخن گفت اما شاید درک معنای واقعی عشق نیز چیزی جز این نباشد.

ممسن چاووشی جدا از دیگر هنرمندانی که شاید سعی دارند در فواندن از عشق این چنین ملموس و احساسی ظاهر شوند تا امروز نشان داده است که تا به چیزی اعتقاد نداشته باشد و آن را با وجود فویش لمس نکرده باشد آن را برای فواندن انتساب نمی کند. بوده اند تاکنون افرادی که با بازیچه قرار دادن نام هنرمند سعی داشته و می دارند تا با تقلید از ممسن چاووشی تلاشی در بدست آوردن اندکی از جایگاه وی را داشته باشند اما ملقه گمشده آنها همان احساسی است که گرچه در تمام افراد وجود دارد اما نمی تواند تبلور احساسی واقعی باشد. فقط صدا و نوع زخم منجره نیست که ممسن چاووشی را متفاوت کرده است و همه مقلدان نیز فقط به همین دو شکل بسنده کرده اند بلکه ممسن چاووشی را فواندن از فاطراتی متمایز ساخته است که شاید اندک کسی باشد تا بتواند آنچه بر خود گذشته است را این چنین ساده و بی آرایش به دیگران عرضه کند.

مطمئناً این تمام استعداد ممسن چاووشی نیست چون هیچ فردی نمی تواند از مداکثر استعداد خود بهره برد اما ثابت شد که وی با همین استعداد اندک توانسته تا طوفانی از احساس را در موسیقی چاووشی وار وارد کند. از نام پاپ استفاده نمی کنم بلکه ممسن چاووشی را خالق سبکی نوع می دانم که نه می توان آن را پاپ نامید و نه راک و نه اصیل.

همیشه ثابت کرده است که هنرپره اش می تواند در انواع آوایی سرفراز باشد چون می داند هر نوع آوایی چه نوع امساسی را می طلبد.

فوائدن از عشق کار هرکسی نیست همان طور که هرکس لیاقت عاشق شدن را ندارد. عشق مقیقی امساسی پاک می طلبد و فوائدن از عشق نیز جدا از این مطلب نیست. در دنیای موسیقی ای که دیگر متی کمترین مرمتی برای عشق وجود ندارد بی دلیل نیست که هنرمندانی از این دست طوفان به پا کنند. این همان خاص گرایی است وقتی فقط عده ای خاص هنوز هم به دنبال آن عشق مقیقی هستند.

بخش پنجم

مرد اول موسیقی امساسی همیشه مرد اول ماشیه ها نیز بوده است. از به یغما بردن آثارش که آمدن وی به عرصه رسمی موسیقی را به تعویق می انداخت تا ادعا هایی که بی هیچ گونه پایه و اساس فقط قصد در تفریب چهره ای داشت که از داشتن دوستداران زیاد آن در مذر بود.

اصولا هیچ گاه لب به اعتراض باز نکرده است و متی جواب بسیاری دیگران هنرمند نماها در مذمت فویش را نداده است و با همین طریق ثابت کرده است که چون می داند رمز موفقیتش درونی است و با این مرف ها فداش ای به آن وارد نمی شود از محبوبیتش کاسته نمی گردد. ممسن چاوشی به معنای مقیقی کلمه هنرمند است چه در مرفه چه در برفوردهای فود با افرادی که قصد در تفریب وی دارند. دوست نماهای قدیمی که امروز با پرداختن و دامن زدن به انواع شایعاتی که فقط فنده بر لب انسان ایجاد می کند قصد دارند بی هنری فویش را با تفریب هنر دیگران پوشش دهند.

در دمدام پفش فیلم سنتوری که به مق نقطه ای عطف در زندگی ممسن چاووشی بود فارغ از تمامی بی مهری های خالقان این فیلم اوچ تهمت ها و شایعات را برای وی گشودند و متی درصدی فکر نکردند که آنکسی که با کلید دل وارد قلب دوستدارانش شده است با مرف هایی چون باد هوا بیرون نفاهد رفت. شاید اگر وی نیز مانند برفی دیگر دست به جواویه هایی تند می زد و به یک جنگ نافواسته وارد می شد مال دیگر این جایگاه را در بین دوستدارانش نداشت. اما ثابت کرد که زخم نامردی بسیار کشیده است و این زخم ها دیگر کمتر عذابش می دهد.

هنگامی که راه تفریب بر علیه شفصیت وی را بسته دیدند دست بر روی صدایش گذاشتند و سعی داشتند با تصنعی جلوه دادن آن اعتماد وی را در بین هوادارانش از بین برند. ادعایی که اگر هم درست می بود انگشت تعجب بلند می کرد که چرا دیگر دوستان برای محبوب شدن از این دست ابزار بهره

نمی برند؟

جرم ممسن چاووشی این نبود که مشهور است جرم وی محبوبیتش بود که او را در آماج مملات سهمناک مخالفانش قرار داد. مخالفانی که به رغم مشهور بودن اندکی هم محبوب نبودند و تامل محبوبیت دیگران را نیز نداشتند. در همین اثنا است که قلم بعضی از بزرگان موسیقی که به تمسین وی در میآیند آتش فشم مخالفان را دو پندان می کنند تا جایی که با دیدن نام وی در بزرگداشت های هنری کشورهای غربی نیز وجود آنان را به فاکستر تبدیل می کند.

در آینده نیز شاهد از این دست مملات فواهم بود و از کنون به رامتی نتایج تلغ آن را نیز برای عوامل آن می توان پیش بینی کرد. ممسن چاووشی همیشه با همین مراسم، هنر مندی جایگزین ناپذیر در بین دوستدارانش باقی می ماند متی اگر هیچ مرکت جدیدی در عرصه هنر انجام ندهد.

کلام آخر

برای ممسن چاووشی بسیار باید نوشت تا متی کمی از آنچه در قلب دوستدارانش می گذرد تبلور یابد. این مقیر با اندک شنافتی که به واسطه امساس فود از هنرمند محبوبم داشتم و به قداست شب های که تا صبح با صدایش ناله کرده ام این جسارت را در فود یافتم تا کمی برایش بنویسم. نوشته های که در بین بسیار قلم های پرتوان جایگاهی والا ندارد اما فوشمالم از چیزی نوشتم که به آن اعتقاد دارم و دیگر جزو عقاید است.

ممسن چاووشی دیگر مرزهای یک هنرمند معمول را پشت سر گذاشته است و دیدن نام او در آینده ای نه چندان دور در بین بزرگان این قبیل موسیقی امری دور از انتظار نیست.

او می ماند با همین امساس پاک چون گرچه گذر زمان جسمش را فرسایش دهد اما در برابر قدرت امساسش ناتوان خواهد بود.

در پایان از خداوند متعال سپاسگزارم و همین طور ممسن چاووشی عزیز که وجودش باعث پرورش این ایده در ذهن من گشت همین طور فرزند متین عزیز که این باور را در من پروراند و دوست فوبیم محمد رضا غلامی که یاریگر من در این راه بود و در انتها دوستی که بنابر سفارش فودش گمنامی اش را مفظ می کنم.